

این هم نوبت دربار و محمدرضا شاه خائن

زحمتگشان ایران متحد شوید

شماره ۲۴۵
روزانه

شنبه
۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۴



پیروز میشود
ارگان حزب زحمتگشان ملت ایران

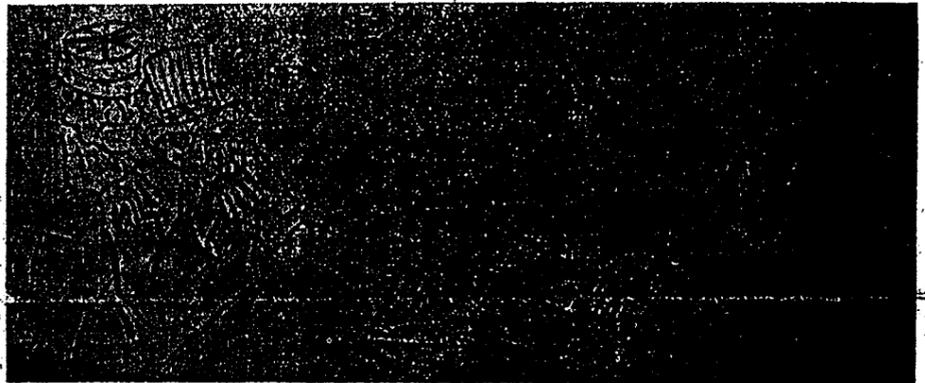
محمدرضا شاه خائن باید محاکمه و مجازات شود
عنصری که جبر تاریخ علت وجودی مقام اورانفی گردیده
است، باتکیه بر گارد مسلح خون در تاریکی شب چون
دزدان و آدمکشان بر نهضت ملی مایورش آورد
حیاشی و خوشگذرانی و توطئه چینی علیه ملت، تنها سرگرمی محمدرضا شاه در این
دوازده سال اخیر بوده است.
پادشاه خود سری که مانند سایر پادشاهان و آدمکشها برخانه نخیت وزیر ملت هجوم میآورد، باید برای خیانت خود پشیمان
تکلیف آینده را ملت بار فرزندم تعیین خواهد کرد

آمد و رفت اشرفیای ماجراجو و شوارتسکهای کودتاچی، از مدتی پیش
نشان داده بود که در مسیح رندان غیری هست.
از جریانات پست پرده بعبوی معلوم بود که در پشت دیوارهای بلند سمند
آباد بر علیه ملت قهرمان ما توطئه عظیمی در کار است.
عناصر زبون و حیاش که سری را در خوشگذرانی و موسرائی و توطئه
علیه مردم پسر آورده اند، در روزهای اخیر که پیروزی نهضت را بطور مسلم پیش
میدیدند با غناب بیسابقه دست بکار کودتا شده بودند و دیروز ناگهان در نیمه
شب که خیال می کردند همه در خوابند بر تهران بیدار هجوم آورده ولی در
ظرف چند ساعت مانند دزدان با ترس و لرز با بفرار گذاشتند. بقیه در صفحه ۴

رپورتاژ کامل
تظاهرات و میتینگ
عصر دیر زو
در صفحه ۳



آقای سرهنگ ممتاز که در جریان
کودتای خائنه دربار به پیشین وجهی
توانسته وظیفه خوراک انجام دهند بگریز
انسان شرافتمندی هستند که باید مورد
تقدیر و تشویق قرار بگیرند.
ما با اینکه عکس ایشان را در فوق -
الماوه دیروز بیاب رسانیدیم برای قدر
دانی از ایشان امروز نیز آنرا بیاب می
رسانیم حرب خائن توده که همیشه میخواهد
نیات پلید خود را بجاوین گوناگون تبلیغ
کند چند روز است که ایشان را عامل کودتا
مینامند.
در حالیکه عمل ایشان در این چند شب
بعربی کذب ادعاهای حرب توده را ثابت
نمود نشان داد که حرب مزبور در کلیه
جریانات غیری دروغ و انصراف چیز
دیگری در انبان ندارد.



تک خال ملت شاه آیزنهاور و چرچیل را مات کرد!

مردهها میخندند - گارد شاهنشاهی هم گودتا می کنند!
شاهی که پایه های سلطنتش را در قلوب ملکه اعتضادیه کار
کندها و روزنامه ها گذاشته بود از جان یک ملت لخت و گرسنه چه میخواست؟
سرهنگ ممتاز که در دستگیری کودتاچیان نقش مهمی داشته از طرف بسوی آینده، بعنوان
یکی از «توطئه کنندگان» معرفی شده است!
بسط دربار بدون «ورود ارتش سرخ» و وقوع «انقلاب
توده ای ابر چیده شد»
تکلیف جهانیانی ها و متین دفتری های فستیوالچی که جان نثار اعلیحضرت سابق هم بودند چیست؟
شاهد بالاخره باین نتیجه رسید که توده ایها تصمیم گرفته اند علیه مصدق دست بکودتا بزنند!
بقیه در صفحه ۲

این اعلامیه دیروز ظهر از طرف کمیته مرکزی حزب زحمتگشان ملت
ایران (نیروی سوم) منتشر شد

اعلامیه حزب زحمتگشان ملت ایران
(نیروی سوم)

ملت ایران!
مردم قهرمان تهران!
برای خیزید و استقامت کنید
بیگانگان باتکای دربار پست ترین و وامانده ترین
عمال خود بچنگ شما آمده اند
سارد شاهنشاهی باتکای بقدرت طلبان چکمه
پوش و با توسل باسلحه شیشه بر نهضت مقدس شما
پورش آورده است دربار مزدور و عناصر متزلزل
که میخواهند باتکای نیروهای اجنبی و علی رغم ملت
بر ملت حکومت کنند و چون دزدان شیشه بر خاله
بدر ملت هجوم می آورند باید از سر راه نهضت برداشته
شوند، ملت یابین عناصر زبون احتیاج ندارد
عنصر ضد ملی که باتکای وعده های
آیزنهاور بر روی ملت شمشیر
میگشاید باید بر چوبه دار بروند
مردم قهرمان ایران
بقیه در صفحه ۲

ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز دکتر بقائی و

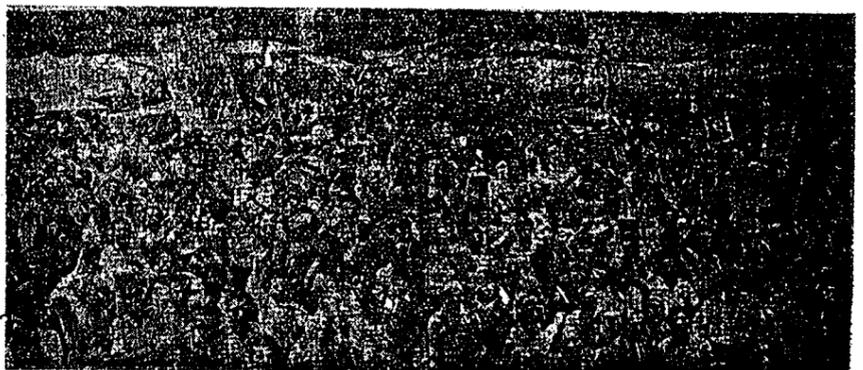
علی زهری و کلیه افراد اقلیت توقیف
شدند - دیروز شاه خائن باتفاق ثریا



از ایران بوسیله هواییها فرار کرد و در بغداد فرود آمد
و به بیگانگان پناهنده شد - اعلامیه دوم دولت دربار
کودتا بعد از ظهر دیروز از طرف آقای دکتر قاضی در اختیار
موتق شورای سلطنتی تشکیل خواهد شد - آقای دکتر مصدق طی اعلامیه ای فرمان انحلال مجلس
هفدهم را بموجب اراده ملت صادر نمودند
بقیه در صفحه ۲



تظاهرات دیروز مردم تهران بآمریکا و انگلستان نشان داد که آخرین پایگاه آنها یعنی دربار نیز نمیتواند در مقابل اراده
ملت مقاومت کند



گوشه ای از تظاهرات عظیم دیروز عصر تهران در میدان بهارستان

شاه خائن دیروز از ترس مجازات ملت فرار کرد

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

علیر غم تشبثات خائنانه در بار و شاه خائن مصدق پیر و ز شد

شماره ۲۴۵

روزنامه

رپرتاژ کامل دموکراسیون حزب ما

داریوش آریا

مردم قهرمان تهران دیروز یکبار دیگر به درباریان و مجلسیان، به همه مدافعان ((بدون قید و شرط)) اجانب نشان دادند که:

نشانی دادند که:

نه کوتای درباریان و نه توطئه مجلسیان هیچکدام

قادر به برانداختن دولت مصدق نیست.

این ندا دیروز از قلب تهران موج ویر خروش برخاست:

نه مجلس! نه دربار! مصدق پیر و ز است

مردم بیدار تهران دیروز پوزه کثیف کودتاچیان درباری را بخاک مالیدند و نشان دادند که ایرانی بیدار است.

دیروز صبح که رفقای حزبی بنا به عادت معمولی به کلوب حزب میآمدند، قبل از ورود باقیه های پرافرودخته و نقابیکه از جریان کودتا اطلاع داشتند برمیخورده و پس از مطلع شدن از جریان در گروه های باوقای دیگر این موضوع را مطرح میکردند. کم کم رقا زیاد شده و در انبساط بکنی از افراد گفت:

«رفقا! بطرف منزل پدر ملت، مصدق عزیز» دیری نپایید که زحمتکشان پدئ و فکری دست جمعی از کلوب پیروز آمدند و همچون موجی غرورآلود و خزان بسوی منزل مصدق از طریق خیابانهای لاله زار و، اسلامبول، نادی، روانه شدند در بین راه مرتب شعار مریک برکودتاچیان درباری، مصدق پیروز است از طرف رفقای حزبی داده میشد.

مردم در پیاده روها، بادیگانای سلسله انتحسین و حیرت باین قیامه های مضم که میرفتند تا از خانه پدر ملت پدر ملتی که سراسر هم خود را در مبارزه با اجانب و بیگانگان طی کرده دفاع کنند

عیاشی و خوشگذرانی و توطئه چینی علیه ملت، تنها «سرگرمی» معدوم خاها در این دوازده سال اخیر بوده است.

دربار معدوم رضا شاه، از آغاز نهضت ملی تا کنون، با یکدلی اصلی توطئه بیگانگان بوده است، اگر برای چند برسانه لوح بی غیر تا دیروز در این امر تردیدی بود، با خیانت تنگبینی که این شاه خائن در نتیجه بیست و پنجم مرداد مرتکب شد، دیگر جای تردیدی باقی نماند.

از شاه عیاشی که تاج سلطنت خود را از دست بیگانگان گرفته بود جز این انتظار نبود که مانند کنگره های آمریکایی شاهانه و زاده و نایندگان ملت شیعیون بزند و آنها را با سارت ببرد. فرزند خلف رضاخان، مانند دزدان و آدمکشان، با گارد مسلح خود برخانه پرچمدار سالن ورود ملت هجوم آورد، او قصد داشت با طلوع اولین شعاع خورشید، مبارزان دلیر راه آزادی و استقلال وطن مارا تیرباران کند و بی جای نیست وزیر ملت، نصرت وزیر خود را بر سر دست حکومت پشنامه ولی او کور خوانده بود، مصدق رضا شاه صغیر نیدانست که اگر رضاخان میرپنج ملقب به «کبیر» توانست با کمک ژنرالهای انگلیسی و با استفاده از اوضاع آشفته بین المللی، تاج سلطنت ایران را بر باریه، بسلی بود که آن اسباب و طعل دیگر وجود ندارد.

شاه خائن نیدانست که «آلمان بکشد و آن بیبانه ریخت».

دیروزمانی بود که بیبانه صبر ملت لرزیده شده بود، سالان دراز بود که ملت قهرمان ما، از دست دربار فاسد معدوم شاه، خون میغورد و دم نپزد، دوازده سال بود که معدوم شاه و خواهر و مادر او، با عمارت و چپاول ملت بر استخوانهای مردم مستانه پای می کوبیدند و دست میفشانند.

صبر و حوصله مردم با آنها مجال داد که بطور روشن ماهیت پلیدی و تیا به زشت خود را نشان دهند تا ملت فرست آن را بیبانه که برای همیشه خود را از شر آنها راحت کند.

ملت قهرمان ما اینک دوره جدیدی را در تاریخ مبین خود افتتاح می کند.

بیست و پنجم مرداد روز سرنگون شدن سلطنت معدوم شاه خائن و روز پیروزی ملت ایران است.

روزی است که با برهنه ها و زنده پوشها پیروزی خود را تکمیل نمودند.

بیوطن ها، آن میلیونها مردمی که رضاخان ها و محمد رضا شاهها وطن آن ها را از دست داده بودند، از امروز صاحب وطن خواهند شد.

ما صاحب وطن خواهیم شد، دانشوران و رنجبران ایران که سالیان دراز طعم بیوطنی را چشیده بودند از فردا صاحب وطن خواهند شد و پایه های حکومت کارودانش را بریزی خواهند کرد...

دیروز بر دکتر مصدق پرچمدار سالخورده نهضت ملی ما پیروز باد نهضت مقدس مردم ایران.

هرک بر محمد رضا شاه خائن

مرک بر فرماندهان گارد شاهنشاهی

پیروز باد نیروی سوم نیروی خلافت ملتها

در زیر پرچم دکتر مصدق کبیر همیشه

مدیر مسئول: مهندس قندهاربان
تحت نظر هیئت تحریریه
تک شماره ۲ ریال
تلفن حزب ۴۵۶۵۵
روزنامه ۴۷۵۱۷
نیمه ۱۷- اوت ۱۹۵۳
عنوان تلگرافی «مطبوعاتی پیر و تهران»

بقیه سرمقاله

هنصری که جبر تاریخ علت وجودی او را نفی کرده است با تکیه بر گارد مسلح خود در تاریکی بر ملت قهرمان و بیدار ایران یورش آورد.

هنصری که از آغاز نهضت مقدس ملی با تفاق مادر و خواهر و اقوام خود شب و روز علیه مردم توطئه چینی مشغول بود، با تکیه بر همه های ایزنهاور و چرچیل چون دزدان بیشم بر ملت خود حمله ور شد و گارد «شاهنشاهی» خود را برای واژگون ساختن نهضت تاریخی ملت ما بپیدان فرستاد. هنصری که تاریخ او را در ردیف ورثه های بازاری آورده با اشاره ایزنهاور و یازیکری برداشت ولی از بازی فیهامه خود جز رسوایی و بی آبرویی حاصلی برنگرفت.

آمریکائیان ساده لوح تصور کرده بودند که اگر ورق «شاه» را در برابر ملت بر زمین بزنند بازی را خواهند برد. غافل از اینکه ملت با تکخال خود «شاه» آنها را مات خواهد کرد.

چنانچه آسای ایزنهاور در هفته پیش وعده فرموده بودند که «مستقیا» در امور داخلی کشور مداخلت خواهند کرد و از پیشرفت نهضت مقدس ما جلوگیری خواهند نمود، مردم قهرمان ایران دیروز به چشم دیده که چگونه ایزنهاور و چرچیل «مستقیا» بر نهضت آنها هجوم آوردند.

آری مستقیما بر هنصری و فاسدی که بوسیله گارد «شاهنشاهی» خود بر نهضت ما هجوم آورد عامل مستقیم امپریالیسم و پرورده خون ملت آنها بود. این هنصر عیاش و فاسد که هنری را در خدمت بیگانه بر آورده است از مدتها پیش برای مردم شکستن نهضت مردم قهرمان ایران مشغول توطئه چینی بود.

دربار فاسد ایران با تکیه بیگانگان ابتداء مجلس شورای ملی یعنی خانه ملت را پایگاه خود قرار داد و با تفرار و مدار مغفله میخواست با ظاهر مردم گمرازی نهضت را واژگون سازد و هیواری و واقع بینی و پایداری مردم رشید ایران این پایگاه را از سر راه نهضت برداشت و دشمنان ملت را از خانه ملت راند.

پس از این فتح درخشان ملت، دربار خائن بیگانه راه شکست ملت را در یک کودتای نظامی پیچیده کرده و به شرمت برآمده آوردن وسایل برداشت.

اشرفهای ما چرا هو و شواری تسکتهای کودتاچی را به «حضور مبارک» پذیرفت نیمه شب ناگهانی با گارد مسلح خود در شهر تهران هجوم آورد.

دربار خیال کرده بود که با این حرکت «هامانه» خواهد توانست ملت را «مات» کند ولی خود در حرکت اول مات شد و بازی بسود ملت قهرمان پایان یافت. ایزنهاور که در انتظار اعلامیه نصرت وزیر شامو تکیه شماری میکرد ناگهان اعلامیه نصرت وزیر ملت را شنید و دانست که برای همیشه صدای عناصر ضد ملی در مبین ما خفه شده است. باید دانست که «ذات خلی مقدس» باین

سرکشت اکتفا نکرده بودند بلکه طبق اطلاع که در دست است، فرمان نصرت وزیر سرلنگ زاده را نیز «موضع» فرموده بودند و دستخط مبارک با «تاییدات خداوند متعال» شرفصدور یافته بود، تاریخ فرمان را نیز، با زرنگی شاهانه، بیست و دوم مرداد قید فرموده بودند تا باین ترتیب کودتای شاهنشاهی ظاهر اشکل هادی و ناشی از دستور «نصرت وزیر چندی» تلقی گردد.

ولی آن میلیونها مردم بی نام و نشان، آن پاره برهنه ها و گرسنه ها، که هفته گذشته مستقیما فرمان نصرت وزیر دکتر محمد مصدق را امضا و توهیح نموده بودند، ببات خلی مقدس و نصرت وزیر او مجال ندادند که شب را سرکنند هنوز اولین شعاع خورشید، بر کوههای البرز تابیده بود، که ذات مقدس کشور شیر و خورشید و اخلاص و ارتزک گفت و با وضی زنده به بیگانگان پناه برد.

نصرت وزیر شاه، که شب را در رویاهای شیرین گذرانده بود و به غیر نگاران چرایه غیر «مزل» نصرت وزیر ملت را بوسیله «سرنهک نصیری» با اطلاع رسانیده بود صبح زود از برابر او ارتاننده خورشید سبقت فرار کرد و به تاریکی خزید و پدیشان کودتای شاهنشاهی چرچیل-ایزنهاور، نیمه شب در تهران آغاز و دو پنداد پایان رسید.

چنین گفتند بزورگان چو کرد باید کار چنین نماید شمشیر خسروان آثار... بزورگان ساکن کسب سفید و اشکن که با تکیه بر «بزرگی» خود بچنگ ملت کوچک ولی بزرگ آمده بودند؛ هنوز چند ساعتی نگذشته بود که آثار بزرگی خود را ظاهر ساختند و خفارت خود را بدنیانشان دادند.

خسرو و الوایار آنها که بین رامسر و تهران مانند پاندول ساعت در نوسان بود، در حالیکه سرب سرتقل و تاراج داشت. قزلباز سحرگاه، در حالیکه بر سر تاج نهادت، راه دیار دیگر در پیش گرفت.

معدوم شاه صغیر که سفاوتندانه لقب «کبیر» به «دشخان میرپنج» اعطاء فرموده بود، خیلی زود نشان داد که «حاقبت گرز زاده گرز شود».

بیست سال حکومت رضا شاه صغیر، برای ملت ستمدیده ایران جز فساد و تیاخی و تیره روزی نتیجه دیگری نداشت، ولی کاش داستان این خسروان و الوایار که تاج سلطنت خود را از دست ژنرالهای بیگانه در پانت داشته بودند، و بمبین حدود مانده بود، «دشخان خلی کبیر» با تکیه بر قدرت بیگانگان، زنجیری که دادرسی بگردن ملت بسته بود، بدست یک «آلت فل» برای یک نعل دیگر، بر گردن ملت مسا استوار ساخت و بشکرانه این «خدمت» بزرگی که به امپراطوری بریطانیا، نموده بود، امر فرمود تا ملت ایران، شهرها را آیین به بندند و هادی کنند. معدوم شاه صغیر که واقعا فرزند خلف رضا خان است، با پیروی از منویات پدر تاجدار خود، با شتاب هر چه تا نتر دهمین راه کام گذاشته بود. این پادشاه خود سر و لیام کسخته، دوازده سال تمام بدستکاری خواهر ماجراجو و مادر جاه طلب و خودکامه خود، با آوردن و برن کابینه ها، و دست اندازی به حقوق ملت سعی میکرد، زنجیر بندگی بیگانگان را همچنان بر گردن مردم ایران استوار نگه دارد. مردم قهرمان ایران در طی سه سال مبارزات بی گبر خود، روزی نبود که با توطئه های خائنه شاه و مادر شاه و خواهرها و گارد مسلح شاه و... رو برو نشوند. لحظه ای نبود که این جوان عیاش و خود سر، سنگی بسوی نهضت پرتاب نکند، روزی نبود که برای پیرو ملت و پرچم دار سالخورده ما، اشکال و مانعی ایجاد ننماید.

از: منیر ط
ای مصدق پوزه دشمن بخاک آلوده شد
ای مصدق ملت از جان حامی جان تو است
با تو پیمان بسته و پاتی به پیمان تو است
ای مصدق حبله بد خواه را اندیشه نیست
خودت بکپار تو و جان تو بزدان تو است
ای مصدق پوزه دشمن بخاک آلوده شد
روشتی بخش جهانی مهر رخشان تو است
ای مصدق شکر لاله کور شد چشم لیسین
کوری چشم و را جاوید ایران تو است
ای مصدق بگذرد از جان و دل مرد وطن
آری او دیری است شاگرد دبستان تو است
ای مصدق حبله های دشمن شیطان صفت
باعث قدر تو مهر دو چندان تو است
ای مصدق خنده زن بر ابلهسی دشمنان
با تو هم آهنگ دانشیروی و دلمان تو است
ای مصدق پیش رو در جنگ دشمن سخت کوش
نیروی ملت همه در پشت و از آن تو است
تهران - مرداد ماه ۱۳۳۲

آری این صفوف زحمتکشان ملت ایران بود که میرفت تا از خانه امید ملت خانه ای که کعبه آمل و آرزوی پاره برهنه ها و شکم گرسنه هاست دفاع کند.

بهر صورت صفوف زحمتکشان هر لحظه فشرده تر می شد و هر لحظه فریاد هرک بر درباریان خائن، اوج میگرفت.

الپیاده روها بیوسته ابراز احساسات نسبت بصفوف فرزندان واقعی ملت میشد از لکن منازل تا درون کاین همه و همه شمارهایرا که از قلب ارادتمندی ما بر میخاست تایید میکردند.

صفوف از سواره شاه بطرف منزل نصرت وزیر سراراز شد ولی چون اطراف منزل آقای نصرت وزیر را سر بازان احاطه کرده بودند این بود که در یکی از کوچه های فرعی که منتهی به خیابان کاخ میشد رفا جمع کردند. و مرتب شمارهای مصدق پیروز است داده میشد.

همه با هم یکدل و یک زبان سجادات کودتاچیان را خواستار میشدند.

در این موقع آقای دکتر صدیقی وزیر کشور وارد جمعیت شد و بر بلندای رفت. جمعیت ابراز احساسات نمود و فریاد:

«زنده باد و زاری دولت مصدق» «زنده باد دکتر صدیقی وزیر کشور»

در لفظا طنین انداز شد آقای دکتر صدیقی چنین گفتند:

«من از طرف آقای نصرت وزیر آمده ام که تشکرات شخصی ایشان را بشنا فرزندان واقعی ملت ایران ابراز کنم. آقای نصرت وزیر از احساسات شما ستیماه تشکر می کند. و بنددرا فرستاده که از شما خواهش کنم چون موقعیت ایجاد تظاهرات در این مورد حوش رانی کند از اینجا متفرق شوید.»

پس از لفظ آقای دکتر صدیقی، جناب آقای تریبان بر بلندای رفت و گفته های آقای دکتر صدیقی را تائید کرده و در خاتمه بلازم خواهش کردند: «از این جا متفرق شوید» جمعیت با همار، مصدق پیروز است، بلازم صفوف خود را متشکل نموده و از خیابان پهلوی بخیابان نادری آمد.

در این هنگام یک اتومبیل حامل بلندگو بصوف ما بیوست و یک عکس بزرگ مصدق نیز در همین موقع در جلوی صفوف فشرده حزب قهرمان ما قرار گرفت.

با قرار گرفتن عکس مصدق احساسات و رفاقت گرفت و قریب ه دقیقه این شمار در آسمان لرزان تهران طنین انداز بود.

نه در بارانه مجلس! مصدق پیروز است

این چهره های مسموم و پرافرودخته هنگامی که به چهارراه فردوسی و اسلامبول رسید مصمم تر و پراختر ترکت و فریادها اوج گرفت.

هر که میگریستی قیامه اش حاکی از تنفر و از چار نسبت باین توطئه خائنه دربار بود.

صفوف از خیابان اسلامبول بخیابان لاله زار سرا زبر شد. کارگران دوازده گپها به بالکتها آمده و ابراز احساسات میکردند در تمام طول لاله زار مردم نسبت بصوف و صفوف نسبت برود ابراز احساسات می نمودند و هر دو دو نگاه های یکدیگر می خواندند.

تا یک نفر از ما زنده است آرزوی سقوط دولت مصدق را مخالفین و منافقین باید بگور پیرند...

بمبین ترتیب صفوف خیابان ناصر خسرو را هم طی نموده و بیاباد رسیدند.

در جلوی بازار آقای مظفری رفیق حزبی ماو چند نفر دیگر سخنرانی نمودند و بازار پان شرافتنه سخنرانی آقایان را بسا کف زدنهای مده تایید نمودند.

جمعیت از بازار برکت و از طریق خیابانهای ناصر خسرو، برق، سدی اسلامبول لاله زار و کلوب حزب آمده و در آنجا متفرق شدند.

بدین ترتیب یکبار دیگر، زنده بوستان و پاره برهنه ها بدنیاشان دادند که:

ایرانی مصمم است جدا از بلوک شرق و غرب جدا از دو قطب توسعه طلب جهانی ایرانی آزاد بسازد

زنده باد مصدق قهرمان

پیروز باد نهضت مقدس ملی

چاپخانه شرکت مطبوعات ناصر خسرو و تلفن ۲۴۵۲۰

مجلس رامنجل کردیم و دربار راهم بدنبال آن